

اما گوید در زاری چند

با سلام گرم از این که در بنامه سلاخی ما نویسم، بویبری خواهم از پیشها دست در باره نقد کتابت  
دو بیره از آن کار در خوانانه، بگفت ارسال بنشانند و برای بنبر خلی خورشید کند. نوشته اید اگر حال  
و حوصه دارم، اگر دلم اما قنای سفاهت وقت ندارم. بربری و تحقیق و تطبیق شعور ابرار، انفا نساکن  
و تا جنگیان سال ۶۰ کار رسم من بوده است. که این کار را حال ام دوست دارم دم همین چند ماه اخیر ساید  
در حدود ۹-۵ مجموعه شعری که از ابرار و اروپا برایم فرستاده بودند و نظرم را خوانسته بودند خواندم و جواب  
دادم آنها به شکل نامه. بنا بر این خلی دلم ما خورشید با "پر" همکار است. اما چگونگی کم کارم و کم عمر  
از آستان گذشته، بدو که آینه اراده از بر این نوشتن حالت در آستانه باشم، این کار را شروع  
کردم و دست مدتی است نوصت اولاد آن دست نداده. اگر اهام خاطره گفار در من خوانوش شود،

آنوقت می توانم به کار گیرم بپردازم.  
نظرات طالب احمدی بدو که دو جلد دیگر چاپ کرده بود) و نقد خوب است. ۳۵ هزاره ۳۵ هزاره را خوانده در آن  
کرده است. قدر ما هم گفت و شنود که بینه با بانوان همزند صورت همگر دینز، سوز زبان بولاد  
بعده را از آن در خواند کرد. نوقت باشد.

نوشته اید خصال دارید دوستم؟ (بجای عنوان گوام) و خنکار را در ۲۰ ماه مار  
ساید به مانند روز زن چاپ کنند. دوست دیگر یعنی «روح جانور زن» و «کودکان خوانند» همانم  
که اگر خوانند بگما نشکر کنند و مرا از پرسش که پیشها در آستانه مرا شوم را چاپ هم کنم  
و هر شعرا هم «مردانه» است، آرا سارند. اگر لطفاً در ۲۰ هزاره از آن صود را برایم بفرستید ممنونم  
خوانند کرد.

خیابان در سلام محبت آنم را بپذیرید به هم دوستان لدار کنند پرا برسانند.

نزدک ۲۳ ژانویه ۱۹۸۹